

فراز و فرود صنعت نساجی اصفهان

از آغا: تا انقلاب اسلامی

عبدالمهدی رجائی

www.ketab.ir

سرشناسه	رجایی، عبدالمهدی، ۱۳۵۰ -
عنوان و نام پدیدآور	فراز و فرود صنعت نساجی اصفهان از آغاز تا انقلاب اسلامی / عبدالمهدی رجایی؛ مقدمه حمید فرهمندپروجنی
مشخصات نشر: اصفهان	آیه سفارش مرکز اصفهان شناسی و خانه ملل.
مشخصات ظاهری	سازمان فرهنگی تفریحی شهرداری اصفهان، ۱۳۹۶.
شابک	۵۰۴ ص.
وضعیت فهرست نویسی	978-600-132-329-4
یادداشت	فیبا
موضوع	کتابنامه.
موضوع	نساجی -- ایران -- اصفهان -- تاریخ
موضوع	Textile industry -- Iran -- Esfahan -- History
موضوع	نساجی -- ایران -- اصفهان -- کارخانه ها -- تاریخ
موضوع	Textile factories -- Iran -- Esfahan -- History
موضوع	فرهمندپروجنی، حمید، ۱۳۴۸ -، مقدمه نویسی
موضوع	سازمان فرهنگی تفریحی شهرداری اصفهان، مرکز اصفهان شناسی و خانه ملل
موضوع	سازمان فرهنگی تفریحی شهرداری اصفهان
رده بندی کنگره	۴۱۳۹۶۳/TS۱۴۰۷
رده بندی دیسی	۶۷۷/۰۰۹۵۵۹۳۲
شماره ۲ شناسی ملل	۴۶۶۰۵۳

فراز و فرود صنعت نساجی اصفهان از آغاز تا انقلاب اسلامی



نویسنده: عبدالمهدی رجایی

ناشر: سازمان فرهنگی تفریحی شهرداری اصفهان

مدیر تولید: مرکز اصفهان شناسی و خانه ملل

نوبت چاپ: اول

قطع: وزیری / ۵۰۴ صفحه

شمارگان: ۵۰۰ نسخه

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۱۳۲-۳۲۹-۴

۱۵	مقدمه
۱۸	اهمیت و کاربرد کتاب

فصل اول : نساجی در دوره قاجار

۲۴	پیشینه نساجی در ایران عصر قاجار
۲۸	روش های تسلط در بازار پارچه ایران
۲۸	ارزان فروشی
۳۰	فروش ویرانه ها
۳۰	نمونه سازی
۳۱	تأثیرات اقتصادی اجزای نساجی
۳۳	تشویق صنعتگران و استفاده از پارچه وطنی
۳۵	ممنوعیت استفاده از رنگ مصنوعی
۳۶	ترویج کشت پنبه مرغوب
۳۷	تجمیع سرمایه و تشکیل شرکت؛ پایه کار اقتصادی
۳۹	علل عمده عدم تشکیل شرکت در ایران قاجاری
۵۱	عدم آمادگی علمی و صنعتی برای داشتن کارخانه
۵۴	دوره مظفری و تشکیل شرکت
۵۵	شرکت مسعودیه؛ اعتمادسازی میان تجار
۵۶	شرکت اسلامیه؛ جهت گیری برای تولید
۵۹	نقش علما در همراهی با شرکت اسلامیه
۶۱	افول شرکت اسلامیه
۶۵	شرکت محمودیه
۶۵	انقلاب مشروطیت و اقتصاد ملی

۶۶	نقد گذشته
۶۷	گام‌های نظری و اقدامات عملی
۶۸	تشکیل انجمن تجار و مجمع اقتصاد خودکفایی
۷۰	تأسیس شرکت شرافت
۷۰	واکنش منتقدین و مخالفین
۷۱	پایان کار نهضت خودکفایی
۷۲	سیمای صنعتی دوره قاجار
۷۳	کارخانه‌های ریسندگی دوره قاجار
۷۵	دو کارخانه ناموفق ریسندگی
۷۷	نماینده یک کارخانه موفق از عصر قاجار
۷۸	رودادها و ظهور جنبشی دیگر در عرصه اقتصاد ملی

فصل دوم: پیش‌پیلوی اول و ورود نساجی مدرن

۸۶	پیش‌زمینه‌های ورود صنعت نساجی
۸۷	نقش دولت و قوانین موسوعه مجلس در شکوفایی اقتصادی
۸۸	برقراری امنیت قضایی
۸۹	قانون البسه وطنی
۹۷	قانون معافیت ماشین‌های صنعتی و نساجی
۹۸	قانون‌های متأثر از بحران اقتصاد جهانی
۱۰۴	قانون واگذاری انحصارت تجارت خارجی مملکت به دولت
۱۱۷	قانون تجارت
۱۱۹	قانون راجع به اتاق‌های تجارت
۱۲۱	برگزاری نمایشگاه‌های تجاری
۱۲۴	تشکیل وزارت خانه اقتصاد ملی
۱۲۵	تشکیل وزارت صناعت
۱۲۵	گسترش راه‌های مواصلاتی
۱۲۷	یکی شدن اوزان و مقادیر

ایجاد بانک ملی	۱۲۸
ایجاد بانک فلاحی و صنعتی	۱۲۹
درخواست مشارکت از صاحبان سرمایه	۱۳۰
عوامل محلی در رشد صنعت نساجی در اصفهان	۱۳۱
اوضاع مساعد برای کشت پنبه و تولید پشم در اصفهان	۱۳۲
سیاست های دولتی در امر پنبه و پشم	۱۳۴
آزاد شدن نیروهای جدید	۱۳۸
نیروهایی که در کشت و تولید تریاک مشغول بودند	۱۳۹
نیروهایی که در زمان سابق به راهزنی مشغول بوده اند	۱۴۰
مردمان کوشا و دقیق	۱۴۰
برقراری مثبتیت	۱۴۲
شونمان؛ دزد و جری کارخانه ها	۱۴۲
رضا افشار، حاکم زند	۱۴۶
کارخانه کبریت سازی تبریز؛ پیش چشم صاحب ثروتان	۱۴۷
معرفی کارخانه های نساجی اصفهان و حیات آنها	۱۴۹
موضوع مالکیت کارخانه	۱۵۰
رونق بازار کارخانه و علت پایداری آن	۱۵۴
نگاهی به آگهی های کارخانه وطن	۱۵۵
کارخانه ریسباف	۱۶۰
دستور رضا شاه؛ ایجاد انگیزه از سرترس!	۱۶۱
حکام اصفهان؛ دخالت مثبت دولت	۱۶۱
سید جواد کسایی مدیر عامل ریسباف	۱۶۴
یک آگهی از کارخانه ریسباف	۱۶۸
کارخانه زاینده رود	۱۶۸
کارخانه شهرضا	۱۷۰
کارخانه اتحاد شهرضا	۱۷۴
کارخانه نختاب	۱۷۴

۱۷۵.....	کارخانه پشمباف
۱۷۶.....	کارخانه صنایع پشم
۱۷۸.....	کارخانه رحیمزاده
۱۷۹.....	کارخانه ریسندگی دهش
۱۷۹.....	صنایع جانبی نساجی
۱۸۰.....	تولید کاغذ بعد از لباس
۱۸۱.....	شرکت‌هایی که فقط بر روی کاغذ ماندند
۱۸۲.....	این همه سرمایه از کجا آمد؟
۱۸۴.....	جغرافیای صنعت نساجی در کشور تا ۱۳۲۰
۱۸۵.....	راه‌اندازی دوباره کارخانه نساجی صنایع الدوله
۱۸۵.....	نیروی کارخانه‌های نساجی در کشور
۱۸۷.....	نساجی صنعتی: کارگاه‌ها

فصل سوم: کارخانجات نساجی در دوره پهلوی دوم

۱۹۳.....	دستباف‌ها در بحران‌ها بعد از شهریور ۲۰
۲۰۲.....	بحران اقتصادی بعد از شهریور ۱۰
۲۰۴.....	اقدامات دولت برای پایین آوردن قیمت‌ها
۲۰۷.....	پایان جنگ جهانی و مشکل ارزانی بیش از حد لباس و پارچه!
۲۱۰.....	باز شدن درهای تجاری کشور
۲۱۲.....	گران شدن مواد اولیه کارخانجات
۲۱۴.....	پیشنهادهای تازه
۲۱۸.....	حمله به مدیران کارخانجات و دلایل آن
۲۲۵.....	فساد مدیران یکی از علل بحران در شرکت‌ها
۲۳۱.....	فساد وام‌های دولتی
۲۳۴.....	کارخانجات در دوره ملی شدن صنعت نفت
۲۳۵.....	کارخانجات نساجی پس از کودتا
۲۴۳.....	بحران اجتماعی و توجه دولت‌ها

۲۴۵	 بازگشت بحران
۲۴۸	 راه حل دولت: تزریق نقدینگی
۲۵۱	 بحران افزایش تولید پی آمد تزریق نقدینگی
۲۵۳	 علل بحران در آیینۀ آمار
۲۵۴	 کاهش میزان اعتبارات و مشکل کارخانجات
۲۵۵	 دهه چهل و کارخانجات نساجی
۲۵۷	 همایش ها و تعاملات برای رفع بحران
۲۶۰	 بحران ادامه دارد!
۲۶۴	 مشکلات صنعتی دولت و سیر اقدامات آن
۲۷۰	 روضه مدیریتی صنعتی
۲۷۲	 شرکت های نساجی و سرمایه اجتماعی
۲۷۳	 ورود الیاف مصنوعی در صنعت نساجی
۲۷۵	 وضعیت کارخانجات نساجی بعد از شهریور ۲۰
۲۷۶	 کارخانه وطن
۲۸۰	 کارخانه ریسباف
۲۸۸	 کارخانه شهرضا
۲۹۱	 کارخانه زاینده رود
۲۹۴	 کارخانه رحیمزاده
۲۹۵	 کارخانه نور
۲۹۸	 کارخانه نختاب
۳۰۰	 کارخانه صنایع پشم
۳۰۱	 کارخانه پشمباف
۳۰۶	 کارخانه های نساجی که بعد از شهریور ۲۰ تأسیس شدند
۳۰۸	 کارخانه شهناز
۳۱۰	 ایجاد خیریه همدانیان
۳۱۳	 کارخانه تاج
۳۱۵	 کارخانه ناهید

۳۱۶.....	کارخانه سوسن
۳۱۷.....	کارخانه آذر
۳۱۷.....	کارخانه سیمین
۳۱۸.....	حریربافی سعید
۳۱۸.....	کارخانه بارش، بهریس
۳۱۹.....	کارخانه پروین
۳۲۰.....	کارخانه فرزانه (نوریس سابق)
۳۲۰.....	کارخانه شکوه
۳۲۰.....	کارخانه نساجی نجف آباد
۳۲۱.....	پایگاه اسفهان در حوزه صنعت نساجی (دوره پهلوی دوم)

ضمیمه پنجم : نیروی انسانی به نام کارگر

۳۲۴.....	نساجی شای
۳۳۰.....	پایگاه اجتماعی کارگران
۳۳۲.....	تشکیلات رفاهی کارگران
۳۳۲.....	نانوایی
۳۳۷.....	شیرخوارگاه
۳۳۸.....	شرکت تعاونی، حمام و سلمانی
۳۳۸.....	زنان کارگر
۳۴۱.....	قانون کار
۳۴۵.....	بهداشت و درمان
۳۴۹.....	بیمارستانی که به کارگران نرسید!
۳۵۱.....	بیمارستان بزرگ دیگری برای کارگران
۳۵۱.....	درمانگاه‌های کارخانجات
۳۵۲.....	بیمه اجتماعی کارگران
۳۵۶.....	آموزش کارگران
۳۵۸.....	سواد آموزی پس از شهریور ۱۳۲۰
۳۵۹.....	آموزش حرفه‌ای کارگران

۳۶۲	ورزش کارخانه ها
۳۶۴	جنبش های کارگری
۳۶۷	جنبش سال ۱۳۱۰
۳۶۸	جنبش سال ۱۳۱۷
۳۶۹	جنبش های کارگری پس از شهریور ۲۰
۳۸۱	حزب توده و خیابان های شهر
۳۸۴	اتحادیه کارگران و پیشه وران (اسکی)
۳۹۲	ورود دولت در روابط کارگر و کارفرما
۳۹۷	جنبش کارگری اصفهان بعد از حذف حزب توده
۳۹۷	اتحادیه کارگران و پیشه وران (تأسیس دو سندیکا)
۴۰۰	واکنش های امنیتی به جنبش کارگری
۴۰۰	جنبش کارگری اصفهان و تحولات کشوری

فصل پنجم: تأسیسات شهر و کارخانه

۴۰۹	کارخانجات و امور خیریه
۴۱۴	امور خیریه در تعمیرات شهر
۴۱۵	کارخانجات نساجی و شهرسازی
۴۲۷	کارخانجات و ساخت محلات کارگری
۴۲۷	ساخت کوی کارگران
۴۳۱	کارخانجات نساجی و برق شهر
۴۳۸	آتش نشانی کارخانجات
۴۳۹	سیمای شهری و دوچرخه ها
۴۴۰	کارخانجات نساجی و معضلات زیست محیطی صنعت
۴۴۳	شرکت کاغذ مقدمه ذغال سنگ
۴۴۵	تأسیس شرکت ذغال سنگ برای کاهش استفاده از چوب
۴۴۷	موضوع فاضلاب کارخانه ها
۴۵۷	نتیجه و ارزیابی
۴۶۱	نمایه

۴۷۹ فهرست منابع

۴۸۷ تصاویر

www.ketab.ir

مقدمه

تاریخ محلی در رصدخانه‌های مستقر شده است که طلوع و غروب پدیده‌های معاصر شهر را ثبت و ضبط می‌کند. حدود یک قرن پیش اولین کارخانه نساجی در اصفهان راه اندازی شد. تحولی که در پی آن و اساس ده‌ها کارخانه نساجی دیگر، مرحله کاملاً تازه‌ای در تاریخ شهر اصفهان ایجاد کرد. اصفهان منچستر شرق لقب گرفت. این دوران طلایی و ویژه بعد از جنگ جهانی دوم کم‌کم رنگ باخت تا این که در زمان حاضر اثرات زیادی از کارخانه‌های مذکور و مقامی که اصفهان به واسطه تعلق به این کارخانه‌ها به دست آورده بود باقی نمانده است. در واقع صنعت نساجی دوره‌ای پا به اصفهان نهاده و حدود نیم قرن بعد از این شهر رخت پرست. اما این صنعت تقریباً بر تمام جنبه‌های حیات اقتصادی و اجتماعی شهر رنگ و اثر خود را بر جای نهاد. از آنجا که رسالت تاریخ محلی ثبت و ضبط دوره‌های خاص یا پدیده‌های ویژه و ممتاز تاریخ یک شهر می‌باشد، با پژوهش حاضر می‌تواند به روش علمی و دانشگاهی و مستند به مطبوعات، اسناد و تاریخ شفاهی، این دوره از تاریخ اصفهان را بازسازی و ثبت نماید.

در دوره رضاشاه (۱۳۲۰-۱۳۰۴ش) پس از دو دهه بی‌ثباتی سیاسی و اجتماعی نوعی امنیت در کشور حکمفرما گردید و در سایه نظام قضایی و قوانین حمایتی مجلس، سرمایه‌های ملی به جریان افتاده و چندین کارخانه تولیدی برای نجات کشور از وابستگی به خارج افتتاح گردید. این کارخانه‌ها اغلب در زمینه‌های



نساجی، قند و سیمان فعالیت می‌کردند. سه قلمی که بیشترین نیاز کشور بدان‌ها بود و بالاترین رقم واردات را به خود اختصاص داده بودند، به دلیل شرایط مساعد منطقه‌ای و سوابق تاریخی، علاقه مردم اصفهان به سوی صنعت نساجی روانه شد و حاصل آن که نه کارخانه عظیم نساجی در این شهر پایه‌گذاری گردید. وجود این همه کارخانه تحولات شگرفی را در بنیان‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی شهر پدید آورد. پول فراوانی به این شهر سرازیر گردید و طبقه‌ای به نام کارگر صنعتی بوجود آمد که مطابق آمارها بین ده تا پانزده هزار نفر را شامل می‌شد. در شهری که در بست هزار نفر جمعیت داشت، این تعداد و خانواده‌هایشان تقریباً نیم جمعیت شهر را تحت پوشش قرار می‌داد. پس دور از انتظار نیست که این نیروی عظیم اجتماعی موجب تحولات زیادی در عرصه سیاسی و اجتماعی شهر گردد.

بعد از شهری که در بست، تحولات زیادی در عرصه مدیریت کلان کشوری و سیاست‌های دفاعی صورت گرفت و حاصل آن که کارخانه‌ها با دو بحران شدید اقتصادی و اجتماعی روبه‌رو شدند، به حدی که کل شهر با فراز و نشیب آنها متلاطم می‌گردید: بحران «اقتصادی» از چند علت ناشی می‌شد که عمده‌ترین آن ریشه در سیاست درهای باز برای دولت‌های بعد از جنگ داشت. این دولت‌ها در ابتدا به عنوان کمک به مردم فقیر و آسیب‌دیده از جنگ و بعد تحت عنوان تبدیل دلارهای نفتی به ریال، درهای تجاری را باز کرده، کارخانه‌های خسته و فرسوده داخلی را در مقابل رقبای خارجی خود تنه‌ها داشتند. بالا رفتن قیمت مواد اولیه و رسوخ بی‌اعتمادی و بی‌اخلاقی در نهادهای اقتصادی و سیاسی انجام موضوع کارگران اضافی و مطالبات آنها، شرکت‌های تولیدی را چنان درگیر و خراب کرد که بسیاری از آنها متزلزل شده و وقتی با کمبود سرمایه در گردش مواجه شدند ناچار از نظام بانکی وام ستانیدند. اما خیلی زود وام‌ها به پایان می‌رسید و مشکلات سابق بر جای می‌ماند و این بار قروض بانک‌ها نیز بر آن اضافه شده بود. دوباره کارخانه تعطیل می‌شد. فشارهای اجتماعی و کارگران بی‌کار شده دولت‌ها را به عکس‌العمل ناچار کرد. در سال ۱۳۳۱ هیأت‌های حمایت از صنایع تشکیل گردید که مرکب از چندین سازمان دولتی مختلف مانند اداره اقتصاد، اداره پیشه و هنر و اداره کار بود. کار این هیأت‌ها در درجه اول پشتیبانی فکری و فنی از بخش خصوصی بود و در درجه دوم در مورد کارخانه‌هایی که تعطیل می‌شدند، این هیأت‌ها مدیریت

کارخانه را برای مدت معینی به عهده می‌گرفتند. خوب یا بد کارخانه ورشکست شده را می‌گرداند، اما سایه قروض سنگین بانک‌ها هم چنان بر جای بود تا وقتی که بانک وام دهنده وارد عمل می‌شد و وقتی مطالباتش پرداخت نمی‌شد، طی تشریفات قانونی، اجرائیه صادر کرده و کارخانه را به مزایده گذاشته و در نهایت تصاحب می‌نمود. سرنوشت چندین کارخانه اصفهان چنین گردید که سرانجام به دست بانک ملی افتاد. یکی از کارخانه‌ها نیز به بانک تهران رسید. بانک صنعت و معدن نیز صاحب یکی دیگر از کارخانجات اصفهان شد.

بحران «اجتماعی» از دو منشأ سرچشمه می‌گرفت: بحران مالی و تحولات سیاسی کشور. بحران مالی کارخانه‌ها موجب تعطیلی‌های موقت و عدم پرداخت حقوق کارگران می‌گردید. همین امر اعتصابات کارگری را دامن می‌زد. نزاع میان کارگران و کارفرمایان تا عایی شدت یافت که دولت، وزارت کار را برای میانجیگری میان این دو تأسیس کرد. این وزارت‌خانه در قالب قانون کار سعی کرد هر دو سو را به مذاکره دعوت کرده بر اساس یک قالب معین یعنی قانون کار، به مصالحه بکشاند. از اتفاق در این فصلنامه نخست (تحولات سیاسی کشور شدت یافته، به سوی آزادی احزاب سیاسی و نزاع‌های حزبی می‌رفت. حزب توده نیز در ایران به شدت فعال شد و به سازماندهی و هدایت آراگون در قالب اتحادیه‌های کارگری مشغول گردید. در عین حال دیدگاه‌های مختلف حزب توده نیز در میان کارگران نطقه بسته و رشد کرد. جدال میان این دو جریان فکری در صفحه دیگری از تاریخ صنعتی این شهر را رقم زد.

شرح بحران‌های مذکور و علل و پیامدهای آن بخشی از این پژوهش است. این بخش در عین حال که فصلی از تاریخ این شهر را روشن می‌کند، به دلیل تشابه بحران‌ها و استمرار آنها تا به روزگار حاضر، می‌تواند دستمایه‌ای باشد برای مدیران محلی و کشوری که با شناسایی تاریخچه مسأله، بهتر بتوانند به حل آن نائل آیند. بخش دیگر نیز به تأثیر کارخانجات در فضای شهری و امور شهرسازی می‌پردازد. مدیریت شهری اصفهان با عوارضی که از این کارخانه‌ها می‌ستانید، پروژه‌های عظیم شهرسازی را سامان داد. چندین خیابان مهم در شهر کشید و آنها را آسفالت نمود. از آن بارزترین کارخانجات در مقاطعی برق شهر را هم تأمین می‌نمودند. به لحاظ روانشناسی اجتماعی وجود کارخانجات باعث نطفه بستن و رشد روحیه





صنعتی در میان مردم شهر گردید. روحیه‌ای که بر سه پایه نظم، محاسبه و آموزش استوار بود. ورزش کارگران، جنبش کارگری، تأسیس کلاس‌های کارگری و هر کار دسته جمعی معطوف طبقه‌ای به نام کارگر حرفه‌ای، فضایی بود که جامعه اصفهان در این مقطع با آن آشنا گردید. فضایی که خاص قرن بیستم بود. سرمایه‌ای که گردش کارخانجات به شهر سرازیر کرد، بخشی نیز به مردم شهر از کارگر و غیر کارگر، می‌رسید. این ثروت توانست فقر و بیکاری را در شهر کاهش داده و در عوض موضوع بیمه‌های اجتماعی را در میان آنان تثبیت گرداند. به طور خلاصه وجود کارخانه‌ها موجب وزیده شدن نسیم مدرنیته در شهر اصفهان گردید.

اهمیت و کاربرد کتاب

این تحقیق در نیم اول بخشی از تاریخ گمشده شهر را بازسازی و بازنمایی می‌کند. پدیده‌ای که به نام صنعت نساجی که در حدود نیم قرن کلیه وجوه اقتصادی، اجتماعی و سیاسی شهر تحت تأثیر خویش قرار داده و نیمی از مردم شهر مستقیم و غیر مستقیم با آن روبرو می‌شدند. اینک فقط نامی و یادی از آن روزگار برجای مانده، به همراه چند منظره به نام کارخانه‌های نساجی و چندین هزار کارگر پیری که در گوشه و کنار شهر روزگار سخت خویش را می‌گذراندند.

پژوهش حاضر از آغاز شکل‌گیری صنعت نساجی و توجه به این صنعت در دوره قاجار تا مقطع انقلاب اسلامی را در زیر نگاه علمی و تحلیلی و سعی کرده است با مراجعه به منابع دست اول بکوشد کلیه وجوه اقتصادی، اجتماعی و سیاسی مربوطه را تبیین و توضیح نماید. و در حد بضاعت خویش به تحلیل قضایا بپردازد. در این اثر سعی شده است صنعت نساجی به عنوان حلقه‌ای از تاریخ معاصر شهر اصفهان مورد مطالعه قرار گرفته و رابطه متقابل شهر و صنعت شریح شود. تأثیر حضور و وجود کارخانجات بر موضوعاتی مانند بیکاری، بیسوادی، امور خیریه، تشکیلات درمانی، جنبش کارگری، بیمه‌ها و سرانجام مسأله شهرسازی در مقطع مورد مطالعه بیان گردد. در مطالعاتی که پیشتر بر روی موضوع صنعت نساجی اصفهان صورت گرفته است، معمولاً یکی از وجوه به صورت تک نگاری بررسی شده و یا این که از منابع نامشخص و غیر مستند بهره برده شده است. این پژوهش سیاست‌های کلان دولتی و تأثیر قوانین موضوعه مجلس را در رشد صنعت نساجی با دقت زیاد مورد بررسی قرار می‌دهد. این پژوهش در مرز میان تاریخ، اقتصاد و

علوم سیاسی قرار دارد و بیشتر تلاش دارد جانب تاریخ را بگیرد تا در ورطه اعداد و ارقام و نظریات اقتصادی و یا تئوری‌های سیاسی بیفتد.

بی‌گمان تاریخ معاصر اصفهان با کارخانجات نساجی گره خورده است. از این رو در اثر حاضر با مراجعه به مطبوعات و اسناد و تاریخ شفاهی سعی شده است داستان اصفهان امروز نیز دنبال گردد. گفتنی است بخش زیادی از مطبوعات و اسناد استفاده شده در این کتاب بیشتر توسط اینجانب برای استفاده پژوهشگران عرضه شده‌اند. (رک: رجائی، تاریخ نساجی اصفهان در دوره قاجار و پهلوی؛ به روایت مطبوعات و اسناد، ۱۳۹۲) اما تردید نیست آن مواد خام (متن سند و مطبوعات)، برای بسیاری از خوانندگان عادی ملال‌آور است، بنابراین کتاب حاضر که گسترش یافته و تکمیل شده پایان‌نامه دکترای اینجانب می‌باشد، با کمال تواضع تقدیم می‌گردد. منبع است در این فاصله کتاب «گنجینه فرهنگ آثار معماری ایران» اثر سرکار خانم دکتر لیلیا پهلوان‌زاده به چاپ رسید. پنج جلد از این کتاب به کارخانه‌های نساجی اصفهان اختصاص دارد. این منبع نیز در تکمیل کار حاضر بسیار راهگشا بود.

در این مجال تشکر فراوان خود از استادان خویش در گروه تاریخ دانشگاه اصفهان از جمله استاد راهنمای اول پایانه و استاد اساتید آقای دکتر مرتضی نورائی تقدیم می‌دارم. بی‌شک بدون راهنمایی‌های ارزشمند ایشان بنده قادر نبودم در سال ۱۳۹۲ از رساله دکتری خویش دفاع نمایم. البته بیشتر بر روی منابع و اسناد به دست آمده بعد از فراغت از تحصیل، چاپ کتاب حاضر را موجه می‌نمود. امید آنکه مورد توجه اهل فن و اصفهان‌شناسان ارجمند قرار گیرد. به استار آنم که اشتباهات و نواقص کتاب به اینجانب تذکر داده شود. در این جا به سایر دیگر آرزوی دیرینه خود را که تاسیس یک موزه صنعت نساجی در شهر اصفهان است، تکرار می‌کنم. حیف است از این تاریخ بلند و پرهیبت، فقط ذره‌هایی از آن در ذهن کارگران بازنشسته نساجی باقی بماند. از مرکز اصفهان شناسی و ریاست محترم آن، جناب آقای دکتر حمید فرهنگمندی، برای قبول چاپ این اثر بی‌نهایت سپاسگزارم.

